

۴. توان شرکت‌های دانش بنیان برای پاسخ‌گویی در مقیاس صنعتی

یکی از اهداف کلان، حرکت به سمت تولید محصولات پایین دست پتروشیمی و با ارزش افزوده بالاتر است.

در اقلام راهبردی خاص مانند: کاتالیست‌ها، برخی مواد شیمیایی، قطعات و تجهیزات مهم و سامانه‌های کنترلی، تجربه نشان داده است که با قراردادهای چندساله و تضمین خرید، شرکت‌های دانش بنیان می‌توانند به تأمین‌کننده اصلی صنعت تبدیل شوند. اما در واحدهای بزرگ بالادستی با ظرفیت‌های چند میلیون تنی، هنوز نیاز به تشکیل مجموعه‌های بزرگ‌تر و حمایت مالی و حقوقی پر قدرت وجود دارد و یک شرکت دانش بنیان به تنهایی در کوتاه مدت توان این میزان مقیاس‌افزایی را ندارد.

در محصولات ویژه و پایین دستی، که مقیاس اقتصادی واحدها کوچک‌تر بوده و با توان شرکت‌های دانش بنیان سازگارتر به نظر می‌رسند با ایجاد خوشه‌های تولیدی در کنار مجتمع‌های بزرگ، هم بازار این شرکت‌ها تضمین می‌شود و هم ریسک آنها کاهش می‌یابد.

۴. نقش نوآوری و هم‌افزایی در توسعه پایین دستی

نقش «نوآوری و هم‌افزایی» در توسعه این بخش چیست؟ آیا نمونه‌ای جدید و عینی از توسعه یک محصول خاص یا یک فرآیند نوین سراغ دارید که حاصل همکاری یک واحد پتروشیمی با یک اکوسیستم دانش بنیان باشد؟ خصوصاً در پتروشیمی‌های بندر امام یا نوری؟

باید توجه داشت: بخش پایین دست پتروشیمی بدون شناخت عمیق نیاز مصرف‌کننده نهایی و توان واقعی بخش تأمین‌کننده شکل نمی‌گیرد. شرکت‌های دانش بنیان توانایی پژوهش و توسعه کاربردی و طراحی محصول و مجتمع‌های بزرگ تولیدی خوراک، زیرساخت، نام و نشان و دسترسی به بازار را دارند، بنابراین همکاری زمانی ثمربخش است که چهارچوب سه‌جانبه‌ای شکل بگیرد: مجتمع، نیاز بازار و کیفیت و استاندارد را شفاف بیان کند، شرکت دانش بنیان فرمولاسیون، طراحی محصول یا فرآیند جدید را ارائه و در مقیاس آزمایشی و نیمه‌صنعتی اجرا کند و هلدینگ و صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر نیز بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری اولیه را بپذیرند.

به طور خلاصه می‌توان گفت: «هر جا مجتمع بزرگ، دسترسی به خوراک و زیرساخت و خرید تضمینی را فراهم کرده و در کنار آن شرکت دانش بنیان دانش فنی محصول یا فرآیند را ارائه داده است؛ خروجی عملی و قابل لمس به شکل کاتالیست، فرآیند جدید یا محصول ویژه به دست آمده است.

۴. الگوهای مالی نو برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر و نقش معاونت علمی و پارک‌های فناوری

از آنجایی که نوآوری ذاتاً با ریسک همراه است، برای جذب سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC) و تسهیل مالی پروژه‌های نوآورانه مشترک بین صنعت پتروشیمی و شرکت‌های دانش بنیان، چه مدل‌های مالی نوینی در حال شکل‌گیری است؟

۱. صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر وابسته به شرکت‌های بزرگ

هلدینگ خلیج فارس صندوقی ویژه برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر در صنعت پتروشیمی راه‌اندازی کرده که به طور مشخص بر طرح‌های نوآورانه در زنجیره پتروشیمی تمرکز دارد. این صندوق زیر نظر خود هلدینگ فعالیت می‌کند و هدف آن تزریق سرمایه همراه با دانش مدیریتی و صنعتی به شرکت‌های دانش بنیان و نوپاست.

۲. صندوق‌های پژوهش و فناوری تخصصی

صندوق‌های پژوهش و فناوری ترکیبی از تسهیلات مالی، صدور ضمانت‌نامه و سرمایه‌گذاری خطرپذیر را به کار می‌گیرند و از ابزارهایی مانند خرید تضمینی تجهیزات اولویت‌دار که برای اولین بار در کشور ساخته می‌شود، برای کاهش ریسک بازار استفاده می‌کنند.

۳. تأمین مالی جمعی برای طرح‌های فناورانه

برای برخی طرح‌های نوآورانه نفت و پتروشیمی، بسترهای تأمین مالی جمعی راه‌اندازی شده و در مواردی، طرح‌ها در مدت بسیار کوتاه تأمین مالی شده‌اند. این روش برای طرح‌های کوچک و متوسط دانش بنیان در پتروشیمی نیز قابل استفاده است؛ بویژه اگر با تضمین خرید از سوی وزارت نفت یا هلدینگ‌های بزرگ همراه شود.

۴. شرکت-پروژه با مشارکت صنعت، دانش بنیان و سرمایه‌گذاری خطرپذیر

در این الگو برای هر طرح مهم، به عنوان مثال تولید یک کاتالیست جدید یا احداث واحد تولید محصول ویژه، یک شرکت-پروژه مستقل تأسیس می‌شود که در آن هلدینگ خوراک و خرید تضمینی را به عهده می‌گیرد، شرکت دانش بنیان دانش فنی و تیم اجرایی را تأمین می‌کند و صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر، منابع مالی و سازوکار حاکمیت شرکتی را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب بازگشت سرمایه از محل فروش محصول به مجتمع و در صورت امکان صادرات انجام شده و ریسک میان این سه طرف تقسیم می‌شود.

۵. قراردادهای مبتنی بر صرفه‌جویی و عملکرد

در طرح‌های بهینه‌سازی انرژی با کاهش سوزاندن گاز در مشعل، الگوی پیشنهادی آن است که شرکت فناوری بخشی از هزینه سرمایه‌گذاری را بر عهده بگیرد و بازگشت سرمایه از محل سهم او در صرفه‌جویی انرژی یا کاهش حجم گاز